



شماره چهاردهم، خرداد ۱۳۹۲

۲ سخن نخست

۴ راهبرد نظام

۵ تحلیل

۵ انتخابات ریاست جمهوری؛ تغییر معادلات و روندهای جدید

میرقاسم بنی هاشمی

۱۱ انتخابات ریاست جمهوری و الزامات قانونمندی

دکتر حسن عالی پور

۱۷ بودجه کل کشور؛ ویژگی‌ها و اختلاف‌ها

دکتر حسن شکوه

۲۱ اپوزیسیون و تکاپوی ناکام برای رهایی از بحران

گروه مطالعات ایران

۲۹ وضعیت تحریم‌های بین‌المللی

دکتر عبدالله قنبرلو

۳۳ روندها و رویدادهای نظامی؛ از نمایش قدرت تا فروش تسلیحات

دکتر محمود یزدان‌فام

۳۷ عراق؛ استمرار ناآرامی در سایه اختلاف داخلی و مداخله خارجی

محمد رضا حق شناس

۴۵ پروژه‌های ناتمام اردوغان

دکتر محمدعلی قاسمی

۵۱ سوریه؛ گذر به شرایط غیرقابل کنترل

دکتر داود غرایقی زندی

۵۵ تحولات افغانستان و پاکستان

گروه مطالعات بین‌الملل

۶۱ بازی جدید اسرائیل در خاورمیانه

دکتر طیبه واعظی

۶۵ نگاه دیگران

۶۶ انتخابات ریاست جمهوری ایران از نگاه بیگانگان

۷۱ پیش‌نگاه

• مطالب درج شده در ماه‌نگار لزوماً بیانگر دیدگاه‌های پژوهشکده نمی‌باشد و استفاده از مطالب آن با ذکر منبع آزاد است.

* صاحب امتیاز: پژوهشکده مطالعات راهبردی

* مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:

سعید نورایی

* دبیر: مهدی میرزاده کوهشاهی

* شورای سیاست‌گذاری (به ترتیب حروف الفبا):

میرقاسم بنی هاشمی، فرزاد پورسعید، دکتر حسن عالی پور،

دکتر ناصر علیدوستی، دکتر داود غرایقی زندی، سعید نورایی،

دکتر محمود یزدان‌فام

* عوامل اجرایی و فنی: مرضیه خطیبی، مهندس علی

رئیس دانا، اکبر قلی‌یان، احسان مرشدی

* ویراستار: لیلا مرادی

* صفحه‌آرا: ملیحه کربلایی

* طراح جلد: سیدعباس امجدزنجانی

* نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان آبان جنوبی، خیابان

رودسر شرقی، پلاک ۷

* صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹

* تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۰۲۴۷۷

* دورنگار: ۰۲۱ - ۸۸۸۹۶۵۶۱

* رایانامه: dideban@risstudies.org



پژوهشکده مطالعات راهبردی

غیرانتفاعی



انتخابات ریاست جمهوری؛ تغییر معادلات و روندهای جدید

میر قاسم بنی هاشمی^۱

اشاره:

با ورود نامزدهای اصلی جریان‌های سیاسی به عرصه انتخابات ریاست جمهوری، فضای سیاسی کشور در چند هفته مانده به انتخابات، به طور اساسی دگرگون شد. با ثبت نام چهره‌هایی مانند هاشمی رفسنجانی، جلیلی و رحیم‌مشایی معادلات و بلوک‌بندی‌های درون و بین جناحی متحول و با بازسازی و بازتعریف جدیدی روبه‌رو گردید. در ادامه بررسی‌های ماهیانه، گزارش حاضر به تحلیل تحولات انتخاباتی جریان‌های سیاسی و نیز بر آورد الگوی رقابت‌های انتخاباتی در موقعیت قبل از اعلام احراز صلاحیت داوطلبان از سوی شورای نگهبان می‌پردازد. این تحلیل بر این باور است که «رقابت چند ضلعی ترکیبی» الگوی حاکم بر رقابت‌های انتخاباتی در ۲۴ خرداد خواهد بود.

مقدمه

مرحله ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری به منزله یکی از مراحل مهم انتخابات از ۱۷ تا ۲۱ اردیبهشت انجام شد و بر مبنای گزارش وزیر کشور ۶۸۶ تن (۶۵۶ تن مرد و ۳۰ تن زن) در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کردند. ۸۹ تن از داوطلبان دارای مدرک دکتری، ۱۵۳ تن فوق لیسانس، ۲۱۲ تن لیسانس، ۴ تن حوزوی، ۵۲ تن فوق دیپلم، ۱۱۶ تن دیپلم و مابقی زیر دیپلم بودند یا مدرکی ارائه نکرده‌اند. هر چند تعداد افراد ثبت نام کننده در دوره‌هایی مانند دوره نهم بیش از هزار نفر بوده و در این دوره نزدیک به ۴۰ درصد کاهش یافته است، با این حال ثبت نام اکثریت افرادی که خود نیز اذعان به عدم صلاحیت نامزدی خود داشتند، نشان می‌دهد که قانون انتخابات ریاست جمهوری با وجود اصلاحات زمستان ۱۳۹۱ هنوز ایراداتی جدی دارد.

بر اساس گزارش‌های ستاد انتخابات، در این مرحله ۳۸ چهره شناخته شده سیاسی ثبت نام کردند که بیست تن از آنها وابسته به جریان اصول‌گرا، هشت تن نزدیک به جریان دولت یا مقامات اجرایی و ده تن نیز نامزد جبهه اصلاحات یا مستقل نزدیک به اصلاح‌طلبان بوده‌اند که نسبت به انتخابات ده دوره گذشته، بیشترین شمار چهره‌های شناخته شده ثبت نام کرده‌اند.

با توجه به پرسش‌ها و ابهامات زیادی که در چند ماه گذشته در وضعیت جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی برای حضور یافتن یا نیافتن آنان در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری وجود داشته، آغاز و انجام مرحله ثبت نام داوطلبان در اردیبهشت، به ویژه ثبت نام چهره‌هایی مانند آقایان هاشمی رفسنجانی، رحیم‌مشایی، قالیباف، ولایتی، جلیلی، رضایی و حداد عادل به میزان زیادی به شفافیت فضا و الگوی رقابت انتخاباتی یاری رساند. هر چند تأیید و اعلام صلاحیت نامزدهای نهایی در مهلت پنج روزه نخست می‌توانست تصویر نسبتاً قطعی‌ای از صورت‌بندی رقابت‌های انتخاباتی عرضه کند، تمدید مهلت بررسی صلاحیت‌ها مانع از روشن شدن سریع‌تر آرایش نهایی شد. با توجه به این امر گزارش حاضر در صدد بررسی تأثیر بودن یا احتمال نبودن چهره‌های شاخص به عرصه رقابت‌های انتخاباتی بر تغییر معادلات سیاسی، ارزیابی موقعیت و راهبرد متحول جریان‌های سیاسی و نیز ترسیم الگوی قطب‌بندی رقابت‌های انتخاباتی «پیش از اعلام نتایج احراز صلاحیت‌ها» است.

راهبردهای انتخاباتی در پرتو فضای سیاسی جدید

حضور شخصیت‌های جدیدی مانند هاشمی رفسنجانی، جلیلی و رحیم‌مشایی در عرصه انتخابات، فضای انتخابات، معادلات حاکم بر روابط بین جناحی و درون جناحی، موقعیت و نیز راهبرد انتخاباتی جریان‌های مؤثر سیاسی را با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی روبه‌رو کرد. هر چند وزن سیاسی و قدرت موج‌آفرینی این داوطلبان برای تغییر فضای سیاسی یکسان به نظر نمی‌رسد، چنانچه صلاحیت هر سه تن یا حتی یک تن از آنان را شورای نگهبان تأیید کند، جریان‌های سیاسی به طور چند بعدی با فضای کاملاً جدیدی در رقابت نهایی انتخابات ریاست جمهوری روبه‌رو می‌شوند که این موضوع اجمالاً در فضای قبل از اعلام نتایج تأیید صلاحیت داوطلبان بررسی می‌شود.



اصلاح طلبان؛ از تشتت تا انسجام

تا اسفند ماه ۹۱، جبهه اصلاحات نسبت به دو جریان اصول گرا و جریان دولت، برای پیشبرد راهبرد انتخاباتی خود، بیشترین تردید و بلاتکلیفی را داشت؛ اما در اسفند و فروردین ماه گذشته، با دو راهبرد «اجماع حداکثری با نامزد اصلی» و «اجماع نسبی با نامزد حداقلی» به طور فعال وارد عرصه انتخاباتی شد. در اردیبهشت ماه، شخصیت‌های موثر اصلاح طلب، به ویژه خاتمی در چند موضع، با اظهارات به نسبت صریح ممکن نبودن حضور خود را در عرصه رقابت‌های انتخاباتی اعلام کرد و پیشبرد راهبرد «اجماع حداکثری و نامزد اصلی» ناممکن تصور شد و راهبرد «اجماع نسبی با نامزد حداقلی» همراه با راهبرد جدید «ترغیب هاشمی» به منزله جایگزینی برای راهبرد اول در دستور کار قرار گرفت.

در چهار چوب راهبرد «اجماع نسبی با نامزد حداقلی»، چند داوطلب از جمله محمدرضا عارف، مصطفی کواکبیان، مسعود پزشکیان و جواد اطاعت فعالیت‌های انتخاباتی خود را که به طور نسبی از زمستان ۹۱ آغاز کرده بودند، افزایش دادند و همسو با آنها داوطلبان مستقل نزدیک به این طیف نیز مانند حسن روحانی و محمد شریعتمداری به تأسیس ستادهای انتخاباتی اقدام نکردند. برای گسترش این فعالیت‌ها، مبنای تصمیم اصلاح طلبان این بود که پس از مشخص شدن چهره‌های شاخص اصول گرا و نیز جریان دولت، در رقابت نهایی با یک نامزد وارد عرصه انتخابات شوند.

اما از بین دو راهبرد اخیر (نامزد حداقلی و ترغیب هاشمی)، گزینه مهم رهبران جریان اصلاحات پس از ناامیدی از حضور خاتمی، ترغیب هاشمی بود. به دو دلیل این گزینه مورد تأکید و توجه قرار گرفت. نخست اینکه نه حسن روحانی می‌تواند موجدی همانند دوم خرداد بیافریند، نه محمدرضا عارف پایگاه اجتماعی گسترده‌ای دارد، نه کواکبیان که در انتخابات مجلس از شهر خودش رأی نیاورد و نه دیگر چهره‌های مطرح توانایی کسب آرای میلیونی را دارند. دوم اینکه بر مبنای تجربه دو انتخابات پیشین، امکان وحدت تمام اصلاح طلبان یا نامزدهای مستقل نزدیک به هاشمی برای معرفی نامزد واحد و حمایت قاطع از آن چندان روشن و قطعی نبود.

بر این پایه، به منظور آماده کردن فضا برای راهبرد حضور هاشمی، در فروردین و نیز در نیمه نخست اردیبهشت، دیدارهای جمعی و گروهی مهمی با هاشمی برگزار شد و در نهایت، وی در پاسخ به دعوت‌های طیف‌های مختلف در سخنرانی ۸ اردیبهشت احتمال داوطلب شدن خود را رد نکرد و گفت: «نمی‌گویم نمی‌آیم». ۱۹ اردیبهشت، دو روز پس از آغاز ثبت نام، سید محمد خاتمی با بیان ممکن نبودن حضور خود بیان کرد: «جناب هاشمی اعلام کردند که آماده‌اند، بیایند، در صورتی که مخالفت رهبری نباشد... امیدوارم این تصمیم عملی شود».

نام‌نویسی آقای هاشمی در آخرین ساعات مهلت ثبت نام داوطلبان ریاست

جمهوری نشان دهنده موفقیت راهبرد ترغیب جبهه اصلاحات بود. هر چند مطلوب‌ترین گزینه این جریان سیاسی حضور خاتمی بود، در غیاب وی، وجود هاشمی بهترین فرصت برای امکان موفقیت این جبهه در رقابت‌های انتخاباتی بود.

بلافاصله پس از ثبت نام و صدور بیانیه هاشمی، شورای مشورتی و شورای هماهنگی جبهه اصلاحات ضمن ابراز خوشوقتی فراوان از ورود هاشمی رفسنجانی به عرصه انتخابات، این اقدام را فداکارانه و فرصتی ملی و فراجناحی دانست و آمادگی کامل شخصیت‌ها و گروه‌های اصلاح طلب را در حمایت همه جانبه از وی اعلام کرد. مجمع روحانیون مبارز نیز با اعلام حمایت از نامزدی آقای هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، بیان کردند که این حضور می‌تواند امکان استفاده از دریچه‌های امید برای بازگشت کشور به مسیر اعتدال، عقلانیت و پیشرفت را فراهم آورد. «ستاد آفتاب صبح امید» نیز که در آغاز با هدف دعوت و حمایت از سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری تشکیل شده بود، حمایت خود را از هاشمی اعلام کرد.

پس از ورود هاشمی به عرصه انتخابات، برخی داوطلبان ثبت نام کننده مانند جواد اطاعت، پزشکیان و محمد شریعتمداری تمایل خود را برای انصراف از نامزد شدن اعلام کردند و برخی چهره‌های دیگر نیز مانند حسن روحانی، محمدرضا عارف و کواکبیان منتظر اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها ماندند و اعلام کردند در نهایت، به نفع آقای هاشمی کنار خواهند رفت.

اصول گرایان؛ از پراکندگی تا دغدغه وحدت

با توجه به مسائل بغرنج پس از انتخابات ۸۸ و اعتقاد طیف‌های مختلف اصول گرا به ممکن نبودن حضور اصلاح طلبان با نامزد اصلی در انتخابات ۹۲ و اطمینان به رد صلاحیت نامزد اصلی دولت، تصور حاکم بر این جریان آن بود که انتخابات یازدهم



جناحی بوده است، اما ورود آقایان هاشمی و جلیلی این راهبرد را با چالش جدی روبه‌رو کرده و ائتلاف‌های این جریان را در موقعیت کاملاً متفاوتی قرار داده است. حداد عادل که تا پیش از عصر ۲۱ اردیبهشت (آخرین روز مهلت نام‌نویسی) ادعای رأی‌آوری اعضای ائتلاف ۲+۱ را داشت، پس از ثبت‌نام غیر منتظره جلیلی در موضعی جدید گفت:

«از اول هم گفتیم در ائتلاف روی کسی بسته نیست، در حال حاضر، با ورود جلیلی باید منتظر بمانیم تا معلوم شود که آیا وی جهشی در میزان آرا دارد یا نه، اگر رأی وی بالا برود، واقعیتی است که ما سه نفر نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم».

ولایتی هم در اظهاراتی قابل تأمل اعلام کرد که در صورت حمایت جامعین از سعید جلیلی، ائتلاف سه نفره از وی حمایت خواهد کرد. وی با بیان اینکه: «اگر تصمیم جامعین این باشد که من کنار بروم، حتماً این کار را انجام می‌دهم»، وی تأکید کرد:

«به هیچ وجه از عزم خود کوتاه نمی‌آیم و تصمیم گرفته‌ایم، نگذاریم آنهایی که با رهبری نظام زاویه دارند امور کشور را به دست بگیرند. امیدواریم با توافق اصول‌گرایان، در نهایت یک نفر بالا بیاید و صحنه را به نفع معتقدین اصلی به نظام به پیروزی برساند».

قالیباف نیز پس از پایان مرحله ثبت‌نام در موضع جدیدی اعلام کرد: «ماهیت انتخابات سال ۹۲ با همه انتخابات دیگر متفاوت است و با اتفاقات و وقایعی که در روز آخر ثبت‌نام افتاد، آرایش انتخاباتی دگرگون شده و باید گفت که صورت مسئله ائتلاف، تغییر یافته و باید همگی به اتحاد فکر کنیم».

اما ورود جلیلی و هاشمی ائتلاف اکثریت یا پنج‌گانه را نیز با موقعیت جدیدی روبه‌رو کرد. با توجه به تغییر راهبرد ائتلاف سه‌گانه و نیز وضعیت ضعیف ابوترابی در نظرسنجی‌ها، ۳۰ اردیبهشت دویست تن از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به ابوترابی از وی خواستند تا برای بهره‌مند شدن از حضور وی در مجلس از ادامه فعالیت‌های انتخاباتی خود انصراف دهد و ایشان با قدردانی از نمایندگان انصراف خود را اعلام کرد.

بیشتر تحلیلگران معتقدند در شرایط کنونی اصول‌گرایان در برابر وحدت تقریباً حداکثری جبهه اصلاحات و نامزد واحد آن و نیز نامزد دولت مجبورند با تمام توان و با اجماع روی یک نامزد وارد عرصه انتخابات شوند؛ البته، با توجه به چند دوره انتخابات پیش و نیز تحولات چند هفته اخیر، تردید زیادی وجود دارد که آنها به یک گزینه واحد برسند؛ زیرا، هم به نقد عمیق و جدی دولت احمدی‌نژاد چندان متمایل نیستند و هم مشخص نیست که می‌خواهند در برابر گفتمان دو جریان رقیب (اصلاح طلب و عدالت خواه) چه گفتمانی را مطرح کنند، که توده‌های مردم را به سمت خود جلب نمایند؛ همچنین، از نظر اصول‌گرایان، با توجه به احتمال عدم احراز صلاحیت نامزد اصلاحات

ریاست جمهوری، همچون انتخابات دوره‌های هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی، رقابت درون جبهه اصول‌گرایان خواهد بود. بر این پایه، جریان فکری-سیاسی مزبور در چند طیف جبهه پیشرفت و عدالت یا ائتلاف ۲+۱، جبهه اکثریت یا ائتلاف ۳+۲، جبهه ایستادگی و جبهه پایداری فعالیت‌های خود را از چند ماه گذشته به طور فعال آغاز کرد و در مرحله ثبت‌نام نیز، تقریباً با بیست داوطلب وارد عرصه انتخابات شد. محسن رضایی، محمدرضا باهنر، ابوترابی فرد، محمدباقر قالیباف، حداد عادل، سعید جلیلی، کامران باقری لنگرانی، علی رضا زاکانی، علی اکبر ولایتی، علی فلاحیان و منوچهر متکی و داوود احمدی‌نژاد از جمله افرادی‌اند که برای ورود به رقابت انتخاباتی ثبت‌نام کردند.

اعضای ائتلاف پیشرفت و عدالت، یعنی آقایان ولایتی، قالیباف و حداد عادل هر یک به طور جداگانه در انتخابات ثبت‌نام کردند و بر این نکته تأکید کردند که تا آخر در صحنه حضور خواهند داشت. علی اکبر ولایتی در نشست خبری روز ثبت‌نام خود با بیان این نکته که: «هیچ اختلافی با یکدیگر نداریم»، یادآور شد:

«قرار را بر این گذاشته‌ایم تا از امکانات تبلیغی یکدیگر استفاده کنیم تا رأی واقعی مردم در نظرسنجی‌ها مشخص شود؛ زیرا، می‌خواهیم حداکثر مهلت را به خودمان و بقیه اصول‌گرایان بدهیم تا انشاءالله یک نفر در نهایت حضور پیدا کند». ائتلاف پنج‌گانه یا طیف اکثریت اصول‌گرایان نیز ابوترابی فرد را به منزله خروجی ائتلاف برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری معرفی کرد که با اعتراض باهنر و متکی روبه‌رو شد و متکی بر خلاف رأی ائتلاف در رقابت‌های انتخاباتی ثبت‌نام کرد. امیرمقدم، دبیر ستاد باهنر نیز انتخاب ابوترابی فرد را خارج از فرایندهای دموکراتیک، توافقات و بی‌اعتنایی به نظرسنجی‌ها دانست.

چنان که ملاحظه می‌شود راهبرد اصول‌گرایان تا آخرین روز ثبت‌نام مبتنی بر پذیرش تکرر درون

هاشمی) و نامزد دولت (رحیم‌مشایی) تسریع در اعلام یک نامزد واحد از سوی اصول‌گرایان قبل از اعلام نظر شورای نگهبان امر شایسته و قابل‌پذیرشی به نظر نمی‌آید.

از سوی دیگر، حداد عادل در پاسخ به این پرسش که آیا این امکان وجود دارد که با حضور آقای هاشمی در انتخابات اصول‌گرایان ائتلاف کنند؟، گفت: «هم امکانش است و هم واجب است چنین کاری انجام شود».

وی در آخرین موضع انتخاباتی در ۳۰ اردیبهشت وحدت و رسیدن به یک نامزد واحد را ضرورت امروز جریان اصول‌گرایی دانست و گفت: «در میان کاندیداهای اصولگرا باید دید کسی وجود دارد که همه رأی‌ها را برای آن یک نفر جمع کنیم. آیامی شود کسی مانند احمدی‌نژاد سال ۸۴ پیدا شود و یک سونامی ایجاد کند و رأی‌ها را به سمت خودش جذب کند.» همچنین آیت‌الله ممدوحی، با تأکید بر اینکه جامعه مدرسن حوزه علمیه قم برای تجمع آراء و معرفی یک کاندیدای نامزدی در جریان اصول‌گرایی وارد میدان خواهد شد، بیان کرد: برای حضور قدرتمند اصول‌گرایان در انتخابات، باید یک نامزد اصلح رأی آور به منزله گزینه نهایی انتخاب و به مردم معرفی شود.

جبهه پایداری؛ از گفتمان‌سازی تا انفعال

ثبت‌نام دو چهره، یعنی هاشمی و جلیلی بیش از دیگر طیف‌های سیاسی اصول‌گرا، موقعیت و گفتمان جبهه پایداری را به چالش کشید. این جبهه که از پیوستن جلیلی به آن ناامید شد، باقری‌لنکرانی را نامزد خود معرفی کرد و اعضای ارشد پایداری در آستانه ثبت نام داوطلبان تأکید کردند: «جلیلی هم بیاید، لنکرانی همچنان کاندیدای ماست.» اما این در حالی بود که آمدن هاشمی جدی نبود. در وضعیت جدید، هر چند آیت‌الله مصباح، لنکرانی را نامزد اصلح معرفی کرده، اما پیشتر اشاره کرده بود که اگر خطر انتخاباتی اصول‌گرایان را تهدید کند، باید همه گروه‌ها پشت سر صالح مقبول اجماع کنند.

در این چهارچوب، لنکرانی، نامزد جبهه پایداری نخست با بیان اینکه: «بین من و آقای جلیلی تفاوت گفتمانی وجود ندارد»، اعلام کرد: «منطق حکم می‌کند در شرایطی که تفاوت دیدگاه کلان نیست، این گفتمان مشترک با یک پرچم‌دار در صحنه، حضور داشته باشد.» بر همین مبنا، لنکرانی ۳۰ اردیبهشت با انتشار بیانیه‌ای به نفع جلیلی انصراف داد: «با توجه به حضور قطعی برادر انقلابی و مومن جناب آقای دکتر جلیلی، با کسب نظر مشورتی از جبهه پایداری انقلاب اسلامی، برای دفاع از گفتمان امید، عدالت و استقامت، اینجانب با انصراف از داوطلبی در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری، حمایت خود را از جناب آقای دکتر جلیلی اعلام می‌دارم.» همچنین لنکرانی درباره ائتلاف اصول‌گرایان بر این نظر است که: «در صورتی می‌شود پذیرفت که همه به نفع یک نفر کنار روند که عدم اتحاد

آنان شرایطی را پدید آورد که فردی که برخلاف مصالح نظام است، رأی آورد».

جریان دولت؛ از گزینه حداکثری تا بلا تکلیفی

جریان دولت در چند ماه گذشته، ضلع سیاسی - گفتمانی فعال این دوره از انتخابات بوده است. هر چند در سه ماه اخیر، برخی گردهمایی‌ها و سفرهای استانی در چهارچوب فعالیت‌های تبلیغی انتخاباتی دولت با انتقادات گسترده روبه‌رو شده، ولی جریان دولت و شخص آقای احمدی‌نژاد با جدیت به دنبال پیشبرد راهبرد انتخاباتی خود، یعنی تأکید بر حضور گزینه شاخص خود، اسفندیار رحیم‌مشایی، بوده است. بر این مبنا هر چند در روز آخر نام‌نویسی داوطلبان، برخی اعضای کابینه دولت، همچون آقایان محمدرضا رحیمی، معاون اول؛ علی‌اکبر جوانفکر؛ صادق خلیلیان، وزیر کشاورزی و رامین مهمان‌پرست، سخنگوی وزارت خارجه، ثبت‌نام کردند چهره‌های ثبت‌نام‌کننده و نیز انصراف‌های روزهای بعد آنها نشان داد که مشایی تنها نامزد مورد تأکید دولت و شخص احمدی‌نژاد است.

احمدی‌نژاد که با «مرخصی یک روزه» از ریاست جمهوری به هنگام ثبت‌نام در کنار مشایی قرار گرفت و با بیان «احمدی‌نژاد، یعنی مشایی و مشایی یعنی احمدی‌نژاد» و نیز «مشایی همه خوبی‌های این دولت و برادر کوچک‌ترش احمدی‌نژاد را دارد و نقاط قوت برجسته‌ای افزون بر آن دارد که آن را کامل‌تر و بالاتر می‌کند»، به صراحت تمام، از داوطلب انتخاباتی دولت حمایت کرد. برخی تحلیلگران معتقدند که تأکید بر نامزد واحد نشان‌دهنده جدیت، روش تهاجمی و گریز از اجماع جریان دولت است که می‌تواند در صورت تأیید صلاحیت مشایی، شانس پیروزی آن را به طور درخور توجهی افزایش دهد و در صورت عدم احراز صلاحیت که احتمال آن بیشتر شده، ناکامی سیاسی و انتخاباتی بزرگی برای آقای احمدی‌نژاد و جریان دولت به همراه خواهد داشت.

آخرین روزهای اردیبهشت و گمانه‌زنی‌ها و تردیدهای جدی دربارهٔ احراز صلاحیت هاشمی و مشایی در آخرین روزهای اردیبهشت، برآورد الگوی رقابت انتخاباتی را با ابهامات جدیدی روبه‌رو کرد. بر این مبنای برآورد الگوی رقابت انتخاباتی ۲۴ خرداد نیازمند بررسی چند بعدی و در نظر گرفتن چند متغیر احتمالی است. در صورت تأیید نشدن صلاحیت مشایی، **متغیر نخست** به حضور یا عدم حضور هاشمی در رقابت انتخاباتی بر می‌گردد که در صورت حضور وی و رد صلاحیت مشایی در انتخابات برآورد نگارنده این است که شاهد الگوی رقابت دو قطبی متصل بین دو جریان و جناح سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب خواهیم بود و اگر هاشمی نیز احراز صلاحیت نشود، الگوی رقابت انتخاباتی تغییر و تحول جدی خواهد کرد. در ادامه به برخی احتمالات و الگوهای قابل تصور در رقابت انتخاباتی اشاره می‌شود.

رقابت دو قطبی بین جناحی

با داوطلب شدن آقای هاشمی، اصلاح‌طلبان که بیش از همه دچار تشقت و ابهامات راهبردی کیفیت حضور یا عدم حضور بودند، به اطمینان و راهبرد شفاف رسیدند. در صورت تأیید صلاحیت آقای هاشمی، به طور طبیعی، یکی از قطب‌های اصلی انتخابات وی و جبهه اصلاحات خواهد بود و دو جناح دیگر به تبع چگونگی حضور این جریان، راهبرد انتخاباتی خود را تنظیم خواهند کرد. بر این پایه، به احتمال زیاد، اصول‌گرایان در صورت حضور هاشمی با تأکید گروه‌های مرجع مانند جامعین به وحدت در نامزد خواهند رسید و با این مفروض جریان اصول‌گرا ضلع دوم رقابت‌های انتخاباتی خواهد بود و تکیه روی اشخاصی مانند محسن رضایی تأثیر چندانی بر تغییر این معادله انتخاباتی نخواهد داشت. در این چهارچوب در سناریوی نخست می‌توان پیش‌بینی کرد که چنانچه نامزد مورد نظر دولت رد صلاحیت و هاشمی تأیید شود، الگوی رقابت دو قطبی فراگیر بین اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان بر فضای انتخاباتی حاکم و تقریباً الگوی رقابت دو قطبی متصل مانند سال ۱۳۷۶ یا سال ۱۳۸۸ با رقابت دو نامزد اصلی دو جریان یادشده تکرار می‌شود و حضور برخی نامزدهای غیر موثر مستقل یا نزدیک به دو جریان تأثیری بر تغییر این فضا نخواهد داشت.

از سوی دیگر، مواضع اشخاصی مانند قالیباف در نیمهٔ دوم اردیبهشت نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های منفی جبههٔ اصلاحات یا هاشمی به دنبال افزایش وزن سیاسی خود در جبههٔ اصول‌گرایان هستند. سخنان قالیباف در اعتراض به نامزد شدن هاشمی و نیز نقد و نفی عملکرد دورهٔ اصلاحات و سازندگی در ۲۳ اردیبهشت مؤید این موضوع است. به بیان وی: «ورود هاشمی رفسنجانی به آن معنی است که کشور را حداقل در یک دورهٔ چهار سالهٔ دیگر وارد تنش‌های سخت و دو قطبی کرده و مردم

اما در فضای جدید، پس از پایان مرحلهٔ ثبت نام، چنانکه شرایط مطابق با راهبرد دولت پیش رود، حضور هاشمی را می‌توان فرصت بزرگ و مغتنمی برای نامزد دولت دانست؛ زیرا، هاشمی زمینه لازم را برای دو قطبی کردن مجدد فضا فراهم می‌کند. در این چهارچوب برخی معتقدند که هدف جریان دولت از هم‌زمان کردن ثبت نام مشایی و هاشمی در آخرین ساعت ثبت نام این بود که بار دیگر تجربهٔ انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ و ۸۸، یعنی ایجاد دو قطبی احمدی‌نژاد-هاشمی را تکرار کند؛ زیرا، معتقدند که این دو قطبی شدن فضای انتخاباتی می‌تواند این بار هم در یازدهمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری به مدد رحیم مشایی بیاید و با راه‌اندازی ضد تبلیغ علیه هاشمی آرای مردم را به سبد نامزد منتخبش سرازیر کند.

با وجود اینکه بر خلاف اصول‌گرایان، حضور هاشمی و جلیلی مزیت‌های مهمی برای جریان دولت در پی داشته است، ورود آقای احمدی‌نژاد به بازی حداکثری می‌تواند ریسک بزرگی را برای آن رقم زند. با توجه به اینکه آقای مشایی طبق حکم حکومتی مقام معظم رهبری برای معاونت اولی کابینه پذیرفته نشد و سخنگوی شورای نگهبان اقدام رئیس‌جمهور را در معرفی فردی برای نامزد شدن در انتخابات تخلف دانست و آن را اقدامی مجرمانه اعلام کرد، بسیار بعید است که صلاحیت وی برای ورود به رقابت انتخابات ریاست جمهوری تأیید شود. از این نظر، جریان دولت با وجود داشتن برخی اهرم‌های فشار، در مقابل نظر نهایی شورای نگهبان قانون اساسی در باتکلیفی و موقعیت شکننده‌ای قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری؛ برآورد الگوی رقابت انتخاباتی

با وجود اینکه ورود چهره‌های جدیدی مانند هاشمی، جلیلی و مشایی تا حدودی از برخی ابهامات قطب‌های مهم انتخاباتی کاست، مشخص نبودن دقیق وضعیت نهایی صلاحیت داوطلبان تا

رقابت چند ضلعی ترکیبی

افزون بر دو الگوی رقابت یاد شده، الگوی دیگری نیز در قالب **رقابت چند ضلعی ترکیبی** برای برآورد فضای رقابت‌های انتخاباتی آتی قابل ترسیم است و آن در صورتی شکل می‌گیرد که (۱) هاشمی احراز صلاحیت نشود و جبهه اصلاحات فرصت و انگیزه‌ای برای حمایت از نامزد حداکثری نداشته باشد و (۲) راهبرد انتخاباتی دولت کنار کشیدن از رقابت‌های انتخاباتی باشد. با تحقق این دو مفروض زمینه لازم برای شکل‌گیری الگوی رقابت چند ضلعی ترکیبی فراهم می‌شود.

در چهارچوب این الگو، به نظر می‌رسد رقابت انتخاباتی ۲۴ خرداد، بیشتر به رقابت چند ضلعی درون جناح اصول‌گرا تبدیل شود و در عین حال، رقابتی ضعیف و غیر حساس بین چهره‌هایی مانند محمدرضا عارف و حسن روحانی با نامزدهای چندگانه اصول‌گرا شکل می‌گیرد؛ در واقع، در غیاب هاشمی و رحیم‌مشایی، جناح اصول‌گرا با فراغت خاطر به پراکندگی قبل از ورود هاشمی و مشایی بر می‌گردد و ورود جلیلی زمینه چند ضلعی شدن انتخابات را در درون این جریان تقویت می‌کند. بر این مبنا، رقابت اصلی بین نامزدهای اصول‌گرا یعنی ولایتی، حداد و قالیباف، جلیلی و نامزدهای مستقل مانند محسن رضایی خواهد بود؛ البته، ائتلاف پیشرفت و عدالت و ائتلاف اکثریت با تأکید جامع‌ترین یکی از سه نفر ولایتی، قالیباف و حداد را معرفی خواهد کرد. در عین حال، حسن روحانی به منزله بدیل هاشمی رفسنجانی و محمدرضا عارف نیز در مقام یک اصلاح‌طلب وارد رقابت با جریان اصول‌گرایان خواهد شد. بر این مبنا، با توجه به برخی نشانه‌ها درباره وضعیت صلاحیت‌ها، به احتمال زیاد الگوی رقابت در انتخابات آتی مبتنی بر سناریوی رقابت چند ضلعی ترکیبی مبتنی خواهد بود.

مستضعف و محروم را مستضعف‌تر و محروم‌تر کنیم. این مسئله چه آورده دیگری برای کشور دارد؟ هاشمی رفسنجانی در مناظرات باید به من پاسخ دهند که وی بعد از این مدت چه کرده است؟ اگر کارنامه بیست سال قبل تا به امروز قابل دفاع بود، حرفی نداشتیم؛ اما کارنامه برای مردم مشخص است».

آقای ولایتی نیز، هاشمی را متهم کرد که در ناآرامی‌های سال ۸۸ موضع درستی نگرفته و رهبری را تنها گذاشته است. ایشان تأکید کرد: «به هیچ وجه از عزم خود کوتاه نمی‌آیم و تصمیم گرفته‌ایم ننگذاریم آنهایی که با رهبری نظام زاویه دارند، امور کشور را به دست بگیرند». تحلیل رسانه‌ای جبهه پایداری نیز بر این مبناست که: «لحظات ورود هاشمی به وزارت کشور بیش از هر چیز یادآور تجمعات خیابانی حامیان موسوی در فتنه ۸۸ بود، احساسی کردن فضا، شعارهای تند و ممانعت از تردد ماشین‌ها در خیابان؛ یادآور روزهایی بود که میرحسین موسوی و مهدی کروبی با ادعای دروغ تقلب در انتخابات از هواداران خود خواستند تا به کف خیابان‌ها بیایند».

رقابت دو قطبی درون جناحی

به غیر از متغیر حضور یا عدم حضور هاشمی، **متغیر دوم** به راهبرد انتخاباتی دولت در صورت قطعی شدن تأیید صلاحیت نامزد دولت بر می‌گردد؛ با توجه به انصراف داوطلبان نزدیک به دولت و با فرض تأیید نشدن صلاحیت آقای رحیم‌مشایی برای دولت دو راهبرد انتخاباتی قابل ترسیم است؛ راهبرد نخست دولت ممکن است این باشد که به همراه جبهه پایداری و دیگر تشکل‌های نزدیک به آن از نامزد نزدیک به گفتمان دولت، یعنی سعید جلیلی در برابر نامزد اصلی اصول‌گرایان (ائتلاف پیشرفت و عدالت و ائتلاف اکثریت) به طور فراگیر حمایت کند که در این صورت، پیش‌بینی می‌شود الگوی رقابت دو قطبی بین دو جریان گفتمان اصول‌گرایی و گفتمان نزدیک به دولت شکل گیرد. البته این برآورد زمانی قابل تصور است که سعید جلیلی با چنین طرحی موافق و در صدد جلب حمایت جریان دولت باشد. با توجه به چالش‌هایی که در دو سال اخیر بین نهادهای حاکمیتی و جریان اصول‌گرایی با جریان دولت پدید آمد، احتمال پذیرش جلیلی برای جلب حمایت جریان سیاسی دولت و ورود وی به این نوع رقابت دو قطبی ضعیف است؛ از این رو، احتمال تکوین چنین الگویی از رقابت انتخاباتی چندان زیاد نیست؛ اما قابل تصور است. راهبرد دوم احتمالی دولت، می‌تواند کنار کشیدن جریان دولت از رقابت‌های انتخاباتی باشد که در این صورت، الگوی رقابت انتخاباتی ممکن است به صورت «رقابت چند ضلعی ترکیبی» شکل گیرد.

